

آشنایی با منابع معتبر شیعه

الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

کتاب ارشاد، مشهورتر از مؤلف خود است.^(۱)

شیخ مفید - که یکی از چهره‌های سرشناس شیعه در طول هزار سال گذشته است - این اثر ارزشمند را در قرن چهارم هجری پدید آورده و به دوستان اهل بیت علیهم‌السلام تقدیم کرده است.

مؤلف درباره انگیزه نگارش این کتاب - که به درخواست یکی از یاران خود نگاشته است - می‌فرماید: به توفیق و یاری خدا در این کتاب، آنچه را که اثبات آن را درخواست کرده بودی، بیان خواهم کرد. از نامهای امامان هدایت علیهم‌السلام

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، نشر الوفاء، بیروت، ۱۰۴۰ ق، ج ۱، ص ۲۷.

این کتاب از مهم‌ترین منابع معتبر شیعه در زمینه تاریخ زندگانی ائمه علیهم‌السلام و محل مراجعه محققان سیره اهل بیت علیهم‌السلام و مشتاقان تاریخ آن گرامیان است. افزون بر آن، ارشاد مفید، مستند اکثر منابع بعد از خود و مهم‌ترین منبع در موضوع امامت به شمار می‌آید. مبلغان ارجمند نیز از این منبع تاریخی، حدیثی و امام‌شناسی، هرگز بی‌نیاز نیستند و با مطالعه آن، بسیاری از اطلاعات و گمشده‌های خود را در این مجموعه ارزشمند خواهند یافت، این اثر در میان دانشمندان اسلامی، چنان مشهور است که علامه مجلسی می‌نویسد: «کتاب الارشاد أشهر من مؤلفه رحمه الله»

زندگانی امیر مؤمنان علی علیه السلام اختصاص دارد و این، حاکی از اهمیتی است که شیخ مفید برای آن حضرت قائل بوده است. ارزش این کتاب، زمانی نمایان می‌شود که بدانیم، مؤلف الارشاد، این اثر ارزشمند را در سال ۴۱۱ هجری، در اوج شهرت علمی و کمالات معنوی و دو سال قبل از رحلت خود نگاشته است.

موضوعات کتاب

بخش اول

در بخش اول، بعد از مقدمه کوتاهی درباره علت و ضرورت تألیف کتاب، وارد باب اول می‌شود که درباره تاریخ امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است. در این باب، فصلهای مختلفی در موضوعات ولادت، خانواده، مبارزات و حضور در صحنه‌های مختلف نبرد با اهل باطل، دلایل ولایت، امامت و وصایت، علم و دانش، بیعت مردم با امام علیه السلام و خلافت ظاهری، فضایل و مناقب، قضاوتها، جریان مباحله، سخنان، نامه‌ها، خطبه‌ها و مواعظ، جریان ناکثین و قاسطین و مارقین، شوری، آیات نازل شده درباره علی علیه السلام، مساوات با انبیا،

و تاریخ عمر و مدت زندگانی آنها گرفته تا مکان شهادتشان و نامهای فرزندانشان و شمه‌ای از فرازهای زندگی آنها، که باعث آگاهی بر احوال آنهاست؛ تا درباره آنان معرفت بیشتر و کامل‌تری پیدا کنی و در میان اظهار نظرها و عقیده‌های گوناگون درباره آنها، فرق بگذاری و بتوانی مطالب شبهه‌ناک را از حقایق ناب تشخیص دهی، و در این باره همانند مردمان با انصاف و دیندار، بر گفتار حق و درست تکیه کنی. من به یاری خداوند به درخواست تو پاسخ مثبت می‌دهم و چنان‌که خواسته‌ای، اختصار و اجمال را در این باره مراعات خواهم کرد و اعتماد بر خداست و هدایت شدن به راه راست را از او خواهانم.^(۱)

این کتاب با اینکه منبع روایی و حدیثی مستند است؛ اما شیخ مفید رحمته الله علیه به نکات تاریخی و عقیدتی نیز در آن می‌پردازد.

نکته دیگر اینکه، بخش اول کتاب که حدوداً نیمی از کتاب است، به

۱. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، قم، نشر کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق. ج ۱، ص ۴.

- پیشگویها، اصحاب، یاران و فرزندان
آمده است.
- بخش دوم
- در بخش دوم کتاب به تاریخ
دیگر امامان معصوم علیهم السلام می پردازد که
عبارت اند از:
- باب دوم در تاریخ امام حسن
مجتبی علیه السلام است. در این باب درباره
ولادت، شهادت، فضایل، خلافت، جنگ
و صلح، نامه ها، سخنان و فرزندان امام
مجتبی علیه السلام مطالبی بیان شده است.
- باب سوم، تاریخ امام حسین علیه السلام
است که در آن، ولادت، قیام، شهادت،
فضایل، زیارت و موضوعات مربوط به
آن حضرت آمده است. عنوان سایر بابها
چنین است:
- باب تاریخ الإمام علی بن الحسین علیه السلام
و فضله
- باب تاریخ الإمام محمد بن علی
الباقر علیه السلام و فضله
- باب تاریخ الإمام الصادق علیه السلام و
فضله
- باب تاریخ الإمام موسی بن
جعفر علیه السلام
- باب تاریخ الإمام علی بن موسی
- الرضا علیه السلام
- باب تاریخ الإمام محمد بن علی
الجواد علیه السلام
- باب تاریخ الإمام علی بن محمد
الهادی علیه السلام
- باب تاریخ الإمام الحسن
العسکری علیه السلام و فضله
- باب تاریخ الإمام محمد بن الحسن
المهدی علیه السلام و فضله
- آثاری درباره این کتاب
- تلخیص و گزیده ارشاد، اثر علامه
حلی به نام «المستجد من الإرشاد»؛
- شرح چهار جلدی ارشاد، به نام
منهج الرشاد، اثر شیخ محمد حسن
زنجانی؛
- شرح سید محمد باقر دستغیب
شیرازی.
- ترجمه و شرح ارشاد، اثر سید
هاشم رسولی محلاتی در دو جلد.
- ترجمه و شرح ارشاد، اثر محمد باقر
ساعدی خراسانی.
- مؤلف کتاب
- ابوعبدالله محمد بن نعمان عکبری
بغدادی، معروف به «شیخ مفید» در سال
۳۳۶ هجری، در یک خانواده پاک، اصیل

مختصری می‌خواهید و بقیه شب را به نماز یا مطالعه یا تدریس و یا تلاوت قرآن مجید می‌گذرانید.^(۲)

شیخ طوسی، یکی دیگر از شاگردان مفید در کتاب فهرست می‌گوید: محمد بن محمد بن نعمان مکنی بابی عبد الله و معروف باین معلم از متکلمان شیعه است که در زمان او ریاست شیعه به وی منتهی شد، و در علم و صناعت کلام، مقدم بر دیگران و در فقه نیز سرآمد فقهای زمان بود. او متفکری سریع الانتقال، با فطانت و حاضر جواب بود و نزدیک به دوست جلد کتاب کوچک و بزرگ تألیف کرد.^(۳)

برخی از آثار شیخ مفید عبارت‌اند

از:

۱. المقنعة؛ ۲. الفرائض الشرعية؛ ۳. أحكام النساء؛ ۴. التمهيد؛ ۵. الانتصار؛ ۶. النصره في فضل القرآن؛ ۷. اوائل المقالات؛ ۸. نقض فضيلة المعتزلة؛ ۹. الإفصاح؛ ۱۰. الإيضاح؛ ۱۱. الکلام في دلائل القرآن؛ ۱۲. الکلام في وجوه إعجاز القرآن و ...

۲. لسان الميزان، ج ۵، ص ۳۰۸.

۳. الفهرست، شیخ طوسی، المكتبة المرتضوية، نجف، ص ۱۵۸.

و عاشق اهل بیت علیهم السلام در حومه بغداد به دنیا آمد. او بعد از طی دانشهای مقدماتی برای ادامه تحصیل، راهی بغداد شد و در آنجا از محضر اساتید و دانشمندان بزرگی همچون: جعفر بن قولویه قمی، شیخ صدوق، ابن ولید قمی، ابو غالب زراری، ابن جنید اسکافی و هارون بن موسی تلعبیری دانش اندوخت تا اینکه سرآمد دانشمندان شد و علاوه بر خدمات شایان علمی و فرهنگی، شاگردانی مانند: سید مرتضی علم الهدی، سید رضی، شیخ طوسی، نجاشی، ابو الفتح کراچکی، سلار دیلمی و ... تربیت کرد.

جایگاه علمی

این دانشمند فرزانه در عرصه‌های مختلف علمی از جمله کلام، فقه، حدیث و تاریخ سرآمد عصر خود است. ابن ندیم در فن دوم از مقاله پنجم «الفهرست» که درباره متکلمان شیعه بحث می‌کند، از او به عنوان «ابن المعلم» یاد می‌کند و او را می‌ستاید.^(۱) ابویعلی جعفری، شاگرد و داماد شیخ مفید می‌گوید: «مفید، شبها

۱. فهرست، ابن ندیم بغدادی، ص ۲۲۶.

خاطره‌ای شیرین درباره لقب

«مفید»

درباره عظمت علمی شیخ مفید، سخن، فراوان است و ما به یک نمونه کوچک و مشهور بین علما اشاره می‌کنیم: روزی قاضی عبدالجبار معتزلی، یکی از بزرگان اهل سنت و دانشمند نامدار در علم اصول و کلام، در مجلس درس خود نشسته بود و با دانشمندان شیعه و سنی حاضر در مجلسش گفتگو می‌کرد. شیخ مفید که در آن موقع، مجتهد معروف شیعه بود و قاضی عبدالجبار نامش را شنیده بود؛ ولی تا آن روز او را ندیده بود به مجلس وی آمد و در پایین مجلس نشست.

وی بس از لحظه‌ای، رو به قاضی کرد و گفت: «اگر اجازه دهی سؤالی است که در حضور این دانشمندان پرسم؟» قاضی گفت: «پرس!» مفید گفت: «این حدیثی که شیعیان روایت می‌کنند پیغمبر ﷺ در روز غدیر فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» صحیح است یا شیعه آن را ساخته‌اند؟» قاضی گفت: «صحیح است». مفید گفت: «مقصود از مولی چیست؟» قاضی گفت:

«مقصود، اولویت و آقایی است.» مفید گفت: «اگر چنین است پس این همه اختلافات و دشمنیها میان شیعه و سنی برای چیست؟»

قاضی گفت: «ای برادر! این حدیث (غدیر) روایت است و چیزی است که نقل شده است؛ ولی خلافت ابوبکر درایت و امری مسلم است و مردم عاقل برای یک روایت، درایت را ترک نمی‌کنند.»

مفید از این سؤال صرف نظر کرد و با طرح سؤال دیگری از قاضی پرسید: «چه می‌گویید در این حدیث که پیغمبر به علی علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ حَرْبُكَ حَرْبِي وَ سَلْمُكَ سَلْمِي؛ جنگ با تو جنگیدن با من است و صلح و سازش با تو صلح با من است؟» قاضی گفت: «این حدیث، صحیح است.» مفید گفت: «با این حدیث درباره اصحاب جمل (که با امیر مؤمنان جنگ کردند) چه می‌گویید و بنا به گفته شما باید کافر باشند؟» قاضی گفت: «ای برادر! آنها توبه کردند.» مفید فرمود: «جناب قاضی، جنگ جمل، درایت و امری مسلم است؛ ولی توبه آنها روایت و شنیدنی است، و خود شما

محمد بن نعمان بن عبد السلام بن جابر بن نعمان بن سعید بن جبیر، شیخ و استاد ماست - که رضوان خدا بر او باد - فضل او در فقه و حدیث و ثقه بودن او مشهورتر از آن است که توصیف شود. او تألیفات متعددی دارد. «آن گاه متجاوز از ۱۷۰ کتاب از آثار او را نام می برد.»^(۲)

علامه حلی در کتاب خلاصه درباره عظمت شیخ مفید می گوید: «او از بزرگترین مشایخ شیعه و رئیس و استاد آنهاست و هر که پس از او آمده از علم او استفاده کرده است.»^(۳)

علامه بزرگوار، سید حسن صدر در کتاب تأسیس الشیعه می نویسد: «شیخ مفید در تمام علوم در زمان خود بی نظیر و یگانه بود و ریاست شیعه به او منتهی شد.»^(۴)

ابن حجر عسقلانی از نظریه پردازان معروف اهل سنت در کتاب لسان المیزان درباره او می گوید: او عالم شیعه

لحظه ای پیش گفتی: مردم عاقل برای روایت، ترک درایت نمی کنند؟!»

قاضی سخت در جواب فروماند و متحیر شد و نتوانست پاسخی بگوید. لحظاتی سر به زیر انداخت، آن گاه سر برداشته، گفت: «تو کیستی؟» مفید فرمود: «خادم شما محمد بن محمد بن نعمان هستم.» قاضی برخاست و دست شیخ مفید را گرفت و بر جای خود نشانید و گفت: «أَنْتَ الْمُفِيدُ حَقًّا؛ واقعا که تو برای جامعه اسلامی مفیدی.»

علمای مجلس از این رفتار قاضی، سخت رنجیده خاطر شدند و مهمه در میانشان افتاد. قاضی به آنها گفت: «ای فضلا و دانشمندان دین! این مرد، مرا ملزم و محکوم کرد و من پاسخی ندارم که به سؤال او بدهم. اگر شما پاسخی دارید بگویید تا از آنجایی که نشسته برخیزد و به جای خویش بنشیند؟!» اما کسی نتوانست پاسخ او را بدهد.^(۱)

از منظر دانشمندان

شخصیت شناس برجسته، ابوالعباس نجاشی، شاگرد نامدار و مورد اعتماد شیخ مفید درباره او می گوید: «محمد بن ...»
 ۱. ارشاد مفید، مقدمه، ص ۱۷، به نقل از: مجالس المؤمنین، مجلس پنجم، ص ۲۰۰ و ۲۰۱.

۲. رجال نجاشی، احمد بن علی، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۹۹.
 ۳. خلاصه الأوقال فی معرفة أحوال الرجال، قم، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۴۷، بخش اول.
 ۴. ارشاد مفید با ترجمه رسولی محلاتی، مقدمه، به نقل از: تأسیس الشیعه، ص ۳۱۲ و ۳۸۱.

وی به دلیل پاسداشت این خدمات به توقیعات، شریف از آن ناحیه مقدسه مفتخر شد. حضرت مهدی علیه السلام در آن توقیعات، شیخ مفید را با شایسته ترین عبارات، می ستاید.

حضرت صاحب الامر علیه السلام نامه هایی به نام شیخ مفید صادر فرموده است و نکات مهم و قابل توجهی درباره این خدمتگزار اهل بیت علیهم السلام در این نامه ها وجود دارد. در آغاز یکی از آنها چنین آمده است:

«لَاخَ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ ... سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمَخْصُوصُ فِينَا بِالْبَقِيَّةِ فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَتَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ إِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ وَتُعَلِّمُكَ إِدَامَ اللَّهِ تَوْفِيقَكَ لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَ أَجْزَلَ مَثُوبَتِكَ عَلَى نُطْقِكَ عَنَّا بِالصَّدْقِ ... إِنَّهُ قَدْ أَذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمُكَاتَبَةِ وَ تَكْلِيفِكَ مَا تُؤَدِّيهِ عَنَّا إِلَى مَوَالِينَا قَبْلَكَ أَعَزَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَ كَفَاهُمُ الْمُهَمَّ بِرِعَايَتِهِ لَهُمْ وَ حِرَاسَتِهِ؛

برای برادر استوار [در امامت]،

دوست رشد یافته، شیخ مفید... سلام بر تو ای دوستدار مخلص در دین که

و دارای تألیفات بسیاری است که به دویست کتاب می رسد ... او در دوران عضد الدوله، دارای مقامی عظیم بود و در سال ۴۱۳ از دنیا رفت. هشتاد هزار نفر از دوستدارانش جنازه وی را تشییع کردند. مردی بود بسیار زاهد و با خشوع و حریص در فرا گرفتن علم و دانش، گروه زیادی از او استفاده علمی کردند و خود او در میان شیعه، مقام ارجمنندی را دارا شد تا بدانجا که گویند بر همه ما منت نهاد. پدرش در زادگاه خود، شهر واسط، معلم بود و در قریه عکبرا کشته شد. گویند: عضد الدوله در خانه مفید به دیدارش می آمد و هر گاه بیمار می شد عیادتش می کرد. ابو یعلی جعفری که داماد او بود، نقل می کند: وی شبها اندکی می خوابید. سپس برمی خاست و به نماز یا مطالعه یا درس و یا قرائت قرآن مشغول می شد.^(۱)

محبوب حضرت مهدی علیه السلام

این دانشمند فرزانه، آن چنان در راه خدمتگزاری به ساحت قدس حضرت صاحب الامر علیه السلام و آبای گرمی اش تلاش می کرد که سر از پا نمی شناخت.

۱. لسان المیزان، احمد بن حجر عسقلانی، بیروت، نشر مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۰ ق، ج ۵، ص ۳۶۸.

این نامه ماست به تو ای برادر دوستدار و مخلص با صفای در محبت و یار با وفای ما! خدایت با چشمهایش که به خواب نمی رود حفظ فرماید! کسی را بدین نامه و آنچه در آن است آگاه مکن. فقط مضمون آن را به هر کس که اطمینان داری برسان و همگی آنان را به عمل کردن بدان سفارش کن، ان شاء الله.»

شیخ مفید پس از سالها تلاش و خدمات ارزنده به دین مبین اسلام به ویژه به فرهنگ تشیع، در سال ۴۱۳ هجری، در بغداد درگذشت و مورد تجلیل فراوان مردم، علما و فضلا قرار گرفت.

روز وفات او از لحاظ حضور دوست و دشمن برای ادای نماز و گریستن بر او، بی نظیر بود.^(۱) هشتاد هزار تن از شیعیان، وی را تشیع کردند و سید مرتضی علم الهدی بر او نماز گزارد و در حرم مطهر امام جواد علیه السلام، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن قولویه دفن شد.^(۲)

در ولایت ما مخصوص به یقین شده‌ای، پس از ستایش و حمد خداوندی که معبودی جز او نیست و درود به سید و مولی و پیغمبر گرامی ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهریں او، خداوند، توفیقت را در یاری از حق، مستدام فرماید و پاداشت را در نشر علوم ما به راستی زیاد و فراوان کند ... بدان که خداوند به ما رخصت داده است تا تو را به نامه‌نگاری مشرف سازیم و دستور دهیم احکام ما را به دوستانمان - که نزد تو هستند - برسانی. خداوند آنان را به طاعت خود عزیز فرماید و با رعایت و حراست خود، مهم آنان را کفایت فرماید.»

امام زمان علیه السلام در پایان توفیق، به دست مبارک چنین نوشته بودند. «هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْأَخِ الْأَوْلِيُّ وَالْمُخْلِصُ فِي وُدِّنَا الصَّفِيُّ وَالنَّاصِرُ لِنَا الْوَفِيُّ حَرَسَكَ اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ فَاحْتَفِظْ بِهِ وَلَا تُظْهِرْ عَلَيَّ حَظُنَا الَّذِي سَطَرْنَا لَهُ ضَمَنًا أَحَدًا وَادِّ مَا فِيهِ إِلَيَّ مَنْ تَشْكُنُ إِلَيْهِ وَ أَوْصِ جَمَاعَتَهُمْ بِالْعَمَلِ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ!»^(۱)

۱. احتجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. الفهرست، ص ۱۵۸.

۳. خلاصة الأوقال فی معرفة الرجال، ص ۱۴۷.